

تأمین اجتماعی در قرآن

احمد قابل

مقوله "تأمین اجتماعی" یکی از پدیده‌های جدید زندگی اجتماعی بشر است که هر روزه گسترش بیشتری پیدا کرده و جوامع دینی را نیز در بر گرفته است. از طرفی نسبت دین با پدیده‌های گوناگون زندگی اجتماعی بشر، همیشه مورد پرسش اهل دانش قرار گرفته است. آنان می‌پرسند که دین چه هدفی دارد؟ و آیا صرف‌نظر از توجه فردی به یکایک انسانها، روابط اجتماعی آنها نیز برای دین اهمیت دارد؟ آیا "گروهها" و "جوامع" به عنوان "جمعیت هدف" مورد نظر دین قرار دارند؟

اگر پاسخ به سؤالات فوق مثبت باشد، آیا دین نظریات خاص و مشخصی برای تمامی پدیده‌های اجتماعی دارد یا صرفاً به بیان چارچوب‌های کلی اکتفا می‌کند؟
باید نسبت دین یا شریعت^۱ با رفتارهای عرفی قبل از حضور شریعت را دانست. آیا یکسره آنها را می‌پذیرد یا یکسره منع می‌کند یا برخی از آنها را می‌پذیرد و بعضی را رد می‌کند؟

۱. با توجه به نظریه مفسران قرآن و اندیشمندان دینی، دین از آغاز خلقت تاکنون یگانه بوده و به نام "اسلام" شناخته می‌شود ولی شرایع گوناگون بوده‌اند. گاه شریعت ابراهیم علیه السلام، گاه شریعت موسی علیه السلام، گاه شریعت عیسی علیه السلام، و آخر الامر نیز شریعت محمدی صلی الله علیه و آله عرضه شده است (لِکُلِّ جَعَلْنَا کُمْ شِرْعَةً وَ مِثْلَهَا جَاءَ). شریعت نسخه‌ای عملی و خاص از دین خداست که در هر مرحله تکامل یافته و به اعتقاد پیروان نبی خاتم صلی الله علیه و آله شریعت محمدی صلی الله علیه و آله کامل‌ترین قوانین و شرایع است.

پاسخ این پرسشها هر چه باشد، نمی‌توان تردیدی به خود داد که گرایش غالب و عمومی اهل دین در تمامی جوامع دینی، ناظر به "دخالت دین در زندگی دنیایی بشر" و "هدف بودن گروهها و جوامع بشری" بوده و هست. یعنی علاوه بر حضور دین در حوزه زندگی خصوصی افراد، حضوری مشابه و شاید پررنگ‌تر در زندگی اجتماعی افراد دارد.

اما نگاه صاحبان این طرز تفکر و گرایش نسبت به چگونگی حضور شریعت در حوزه زندگی اجتماعی یکسان نیست. گروهی تصور می‌کنند که جزئی‌ترین مسائل لازم این حوزه، در متون دینی آمده و هر آنچه غیر از آنست و نامی از آن در متون شریعت نیامده نامشروع است.

گروهی دیگر معتقدند کار دین و شریعت بیان کلیات است، و امور فرعی و مسائل جزئی توسط کارشناسان علم و دین از آن کلیات برداشت می‌شود. این برداشتها تابع درک و فهم و میزان دانش برداشت‌کنندگان است و هیچ‌کس نمی‌تواند مدعی باشد که امکان خطا در برداشت او وجود ندارد، چرا که این دیدگاه اکثر قریب به اتفاق دانشمندان مسلمان است.

البته در برخی موارد، احکامی خاص و جزئی در شریعت محمدی ﷺ تشریح شده است که درباره "ثبات یا تغییر" این‌گونه احکام اختلاف نظر وجود دارد. هر چند نظر مشهور در این‌گونه موارد بقا و ثبات آن احکام است.

قرآن کریم که اساسی‌ترین قوانین و احکام شریعت محمدی ﷺ را در خود جای داده، در حکم "قانون اساسی" اسلام است و محکمترین سندی است که می‌توان برای اثبات یا رد پدیده‌های مختلف از آن بهره گرفت.

اظهار نظر صریح قرآن در پذیرش یا رد برخی مناسبات زندگی اجتماعی بشر، عدول از آن را برای اهل دین ناممکن می‌سازد چرا که قرآن مدعی است که بیانگر "دین فطری" است. "فطرت" همان سرشت انسانی است که خداوند خالق "دین و فطرت" آنها را منطبق بر یکدیگر قرار داده است. پس هرگونه جهت‌گیری مثبت یا منفی قرآن در مورد یک پدیده به معنی همسو یا بیگانه بودن آن با "فطرت و سرشت انسانی" است. حتی سکوت اسلام در برابر بعضی مسائل، به معنی عدم مخالفت با آنها تلقی شده و از آن برداشت "جواز و اباحت" می‌شود.

دیر زمانی است که بشر برای کسب امنیت و آرامش خاطر نسبت به آینده خویش و رسیدن به این خواسته در جست‌وجوی راهکارهایی علمی است. او می‌بیند که سلامت، رفاه و آرامش

او با خطرهایی چون بیماری، فقر و تنگدستی، تشویش و نگرانی همراه است و برای غلبه بر این خطرات به دنبال چاره می‌گردد؛ راهکارهای مختلف را تجربه می‌کند، آنها را از نظر عقل و منطق مورد بررسی قرار می‌دهد، و برای رسیدن به راهکار مناسب هزینه‌های گوناگونی می‌پردازد که پرداخت آنها را نه تنها مخالف منافع خویش نمی‌داند که کاملاً در جهت رسیدن به منافع اصلی خود به شمار می‌آورد.

راهبردهای تأمین اجتماعی و به‌خصوص راهبردهای بیمه‌ای را می‌توان از جمله یافته‌های بشر دانست که برای غلبه بر خطرات پیش‌گفته راهکارهایی عملی پیش پای انسانها قرار داده و می‌دهد. گسترش حوزه این راهکارها می‌تواند مطلوبات بیشتری را برآورد و نیازهای بیشتری را تأمین کند.

این مقوله در محیط اسلام و شریعت محمدی ﷺ با همان پرسش تاریخی اهل دانش روبه‌رو گردیده است که آیا تأمین اجتماعی مورد پذیرش دین و شریعت قرار می‌گیرد یا امری نامشروع است؟

قدم اول در این راه عرضه کردن این پرسش به قرآن است تا معلوم شود که رویکرد قرآن به این موضوع چگونه است؟ آیا آن را رد می‌کند یا تأیید، یا در مقابل آن سکوت کرده و هیچ‌گونه ممانعتی پیشنهاد نمی‌کند؟

برای این منظور، نسبت مقوله تأمین اجتماعی با تعالیم قرآنی را در سه بخش "مبانی و اهداف، راهبردهای حمایتی و راهبردهای بیمه‌ای" با تعالیم قرآنی، اجمالاً مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. مبانی و اهداف

هر رویکردی ناشی از انگیزه‌ها و اهدافی مشخص است که انسان به آن اهمیت می‌دهد و هر راهکاری مبتنی بر قاعده و اساسی است که آن را لازم می‌شمرد.

راهکارهای شرعی نیز مبتنی بر مبانی عقلانی و منطقی و زیربنایی‌اند که ناگزیر به پیشنهاد شرعی منجر شده است.

قراردادهای اجتماعی نیز خود را ملزم به پیروی از اصول و مبانی و اهدافی می‌دانند که لزوماً برخی راهکارها را در پی دارد.

۱-۱. عدالت اجتماعی

یکی از مبانی تأمین اجتماعی و اساسی‌ترین هدف آن رسیدن به "عدالت اجتماعی" است. به طوری که در شعار اصلی "انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی" - که ایران نیز عضو آنست - آمده است، "تحقق عدالت اجتماعی بدون تأمین اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد".^۱ این شعار، در حقیقت، تأکیدی بر "ابزار و راهکار بودن" تأمین اجتماعی برای رسیدن به هدف اصلی یعنی "عدالت اجتماعی" است. در ماده دوم اساسنامه همین انجمن آمده است:

«همکاری در جهت ارتقا و گسترش تأمین اجتماعی در سراسر جهان و بخصوص بهبود بخشهای فنی و اداری در سطح بین‌المللی، به نحوی که شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم کشورها بر مبنای عدالت اجتماعی بهبود و ارتقا یابد».^۲

قرآن کریم نیز تنها هدف اصلی و نهایی دین در دنیا را رسیدن به "عدالت اجتماعی" دانسته و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ».^۳ هر آینه گسیل داشتیم فرستادگان خویش را با اموری روشنگر، و کتاب و قانون و معیار و میزان را همراهشان فرستادیم تا مردم به عدالت برخیزند».

بر پا داشتن عدالت از سوی مردم در جامعه بشری، چیزی جز "عدالت اجتماعی" نیست. عدالتی که اجتماع، هم در تحقق آن دخالت داشته باشد و هم، از منافع آن بهره‌مند گردد. قرآن، راه رسیدن به این عدالت را با تخصیص مالکیت ثروتهای اصلی و منابع طبیعی به عموم مردم و موظف کردن مسئولان جامعه نسبت به توزیع ثروتها به صورت عادلانه و مسئول شمردن آنها در برابر محرومیت‌محرومان و اسراف مسرفان و جلوگیری از این نابرابری‌ها و تأکید بر کم کردن فاصله بین فقیر و غنی (كَيْلَا يَكُونَ دَوْلَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ)^۴ و در نظر گرفتن کيفرهای شدید برای ستمگران و متعدیان به حقوق دیگران و صاحب حق شمردن محرومان و نیازمندان در محصول و درآمدهای ثروتمندان و واجب کردن پرداخت مالیاتهای مختلف بر اقشار مرفه و اختصاص درآمدهای مالیاتی به فقرا و تنگدستان به صورت عمده و... هموار کرده است.

۱. نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ص ۸.
۲. همان ماخذ، ص ۸۸. ۳. سوره حدید، آیه ۲۵. ۴. سوره حشر، آیه ۲۵.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ... خدایانند به عدالت، احسان و دادن حق خویشاوندان دستور می‌دهد»، یا «إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»^۲ - عدالت پیشه کنید که نزدیکترین راه پرهیزکاری است»، و در جای دیگر می‌فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»^۳ - بگو پروردگارم فرمان به عدالت داده است.»

در آیه ۱۳۵ سوره نساء با تأکید هر چه بیشتر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ... ای مؤمنان در راه اقامه قسط و عدل به شدت کوشا باشید.»

با توجه به اهمیت فوق‌العاده «عدالت اجتماعی» اکثر اهداف و مبانی دیگر در حکم «راهکارهایی برای رسیدن به عدالت اجتماعی» یا بخشی از آنند که صرف‌نظر از عدالت اجتماعی موجودیتی ندارند.

۲-۱. ایجاد امنیت و آرامش خاطر

ایجاد امنیت و آرامش خاطر در زندگی اجتماعی که با آسیب‌هایی از قبیل بیماری، بیکاری، ازکارافتادگی، کهنسالی، بی‌سرپرستی، فقر و محرومیت، ورشکستگی، از بین رفتن سرمایه و انواع حوادث ناگوار همراه است، یکی از عمده‌ترین اهداف و مبانی تأمین اجتماعی است. این برداشت در تمامی تعاریف ارائه‌شده از تأمین اجتماعی وجود دارد و در زبان فارسی و عربی واژه «تأمین» در عنوان ترکیبی «تأمین اجتماعی» رساننده هدف این عنوان است.

قرآن کریم نیز ارزش ایجاد امنیت و آرامش خاطر را در حدی می‌داند که «عبادت خدا» را در گرو آن قرار می‌دهد. در سوره قریش می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»^۴ باید قریش پروردگار این خانه را عبادت کند، همو که از گرسنگی سیرشان کرد و از هراس ایمنی‌شان بخشید.»

در جای دیگر می‌فرماید: «وَلْيَبْذُلُوا مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۵ هر آینه آنان را، پس از هراس و خوفشان، حتماً امنیت می‌بخشیم تا مرا پرستش کنند و چیزی را انباز و شریک من نسازند.

در حقیقت در این دو آیه می‌فرماید: «به شکرانه تأمین امنیت از هراس و خوف، خدا را

۳. سوره اعراف، آیه ۲۹.

۲. سوره مائده، آیه ۹.

۱. سوره نحل، آیه ۹۰.

۵. سوره نوره، آیه ۵۵.

۴. سوره قریش، آیه ۴.

عبادت کنید» یعنی نعمت و «کالای تأمین» که خدا در اختیار آدمی قرار می‌دهد هزینه‌ای در پی دارد که «پرستش خداست». پس باید برای «تأمین امنیت» هزینه پرداخت. یعنی «امنیت و تأمین» متاع و «کالایی پربها» است که بدون پرداخت هزینه آن در دسترس کسی قرار نمی‌گیرد. از سویی شدیدترین کیفرها برای کسانی در نظر گرفته شده است که «امنیت و آرامش مردم و جامعه را بر هم می‌زنند»، و آنها را دچار «هراس و بیم» می‌کنند. کیفر «محارب» نمونه‌ای از این قبیل است که با صراحت در قرآن کریم بیان شده است. (إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...^۱).

در داستان قوم ثمود از قول صالح پیامبر علیه السلام می‌خوانیم: «آیا شما در امنیت و رفاه و برخوردارگی از نعمات الهی همچون باغات سرسبز و میوه‌های آماده و خانه‌های تراشیده در دل کوه رها شده‌اید؟ پس خدا را در نظر آورید و از دستوراتش اطاعت کنید و دستور و خواست مسرفان را پیروی نکنید».^۲

امنیت در کنار رفاه و برخوردارگی از نعمتهای الهی آنچنان با اهمیت است که پیش از همه نعمتها شمرده شده و تقوی و پرهیزکاری را برای تداوم آن لازم دانسته است؛ و ابراهیم خلیل علیه السلام همراه فرزندش اسماعیل علیه السلام از خدا می‌خواهند که محیط کعبه را «وادی امن» قرار دهد و خدا نیز این درخواست را اجابت می‌کند تا معلوم گردد که اهمیت و ارزش امنیت چندان است که پیامبران برای تحصیل آن کوشش کرده و خدا را به یاری فرا می‌خوانند.

این تأکید و تکرار ارزش امنیت در قرآن و پر بهادانستن آن تا جایی که برای تضمین آن «وثیقه» طلب می‌شد (یعقوب پیامبر علیه السلام از برادران یوسف طلب وثیقه در مقابل فرستادن بن‌یامین همراه آنان کرد)^۳ می‌تواند دیدگاه «کالابودن تأمین» در مقوله تأمین اجتماعی و خصوصاً راهبردهای بیمه‌ای را تأیید و تأکید کند.

۱-۳. نوع دوستی

«نوع دوستی» یکی دیگر از مبانی تأمین اجتماعی است. توجه به هموعان و احساس محبت و دلسوزی نسبت به ایشان، آدمی را به یاری آنان فرا می‌خواند تا در هنگامه نیاز یاور ایشان باشد. در حقیقت یکی از انگیزه‌های طبیعی و همیشگی برای رفتارهای اجتماعی، نوع دوستی

۱. همان مأخذ.

۲. سوره یوسف، آیه ۶۶.

۳. سوره مائده، آیه ۲۳.

است که در قالب محبت به پدر و مادر، همسر، فرزندان، خویشاوندان، همسایگان، همشهریان، همسفران، همکاران و دوستان و در نهایت هموعان پدیدار می‌شود و راهبردهای حمایتی تأمین اجتماعی مبتنی بر این موضوع است.

قرآن کریم نیز اساس بعثت پیامبر گرامی اسلام ﷺ را "رحمت و مهربانی نسبت به تمامی جهانیان" معرفی می‌کند (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)^۱ و رابطه دوستی و مهربانی بین تمامی انسانها را "فطرت الهی انسان" می‌شمارد (وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً)^۲. خداوند در قرآن کریم دوبار با صراحت فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»^۳ همانا خداوند نسبت به تمامی انسانها مهربان و بخشنده است». تلفیق این آیات با یکدیگر و دستور اکید خداوند در جاهای مختلف قرآن مبنی بر لزوم اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ تردیدی در "الهی بودن سرشت نوع دوستی بشر" باقی نمی‌گذارد.

خداوند سبحان درباره پیروان مسیح عليه السلام می‌فرماید: «وَجَعَلَ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً»^۴ در دل‌های کسانی که از مسیح عليه السلام پیروی کردند مهربانی و بخشش را قرار داد که این "جعل الهی" به معنی "سرشت طبیعی" و "خلقت" است.

در هر حال، پیروان پیامبری که "رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ" است نمی‌توانند مدعی پیروی از او باشند بدون آنکه این رحمت در وجودشان قرار گیرد و این به معنی دوست داشتن تمامی جهانیان است که تعبیر دیگری از "نوع دوستی" است.

راهکارهایی که در قرآن نسبت به حمایت از محرومان و نیازمندان تشریح شده است نیز نشانگر این مبنای استوار قرآنی است چراکه مبتنی بر محبت و دوستی نسبت به هموعان است.

۱-۴. همبستگی اجتماعی

زندگی اجتماعی به معنی قرارگرفتن افراد در کنار هم بدون توجه به نیازها، توانایی‌ها و کمبودهای یکدیگر نیست بلکه ضرورت زندگی اجتماعی ناشی از نیاز افراد به توانایی‌های مختلف اعضای یک جامعه است. در حقیقت هر انسانی کمبودهای خویش را با توانایی دیگری جبران می‌کند.

۳. سوره بقره، آیه ۱۴۳ و سوره حج، آیه ۶۵.

۲. سوره روم، آیه ۲۱.

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

۴. سوره حدید، آیه ۲۷.

لازمهٔ ثبات یک جامعه «همبستگی اجتماعی» است و هر چه پیوند اجتماعی اعضای جامعه مستحکم‌تر و حقیقی‌تر باشد، ثبات بیشتری خواهند داشت. بنابراین نقطهٔ پیوند و انگیزهٔ همبستگی بسیار مهم است.

قرآن کریم، جامعهٔ مطلوب خویش را با انگیزهٔ همبستگی «اسلام و ایمان» معرفی می‌کند. تسلیم بودن در مقابل حق و ایمان به مبدأ و معاد، نوع خاصی از پیوند اجتماعی را پدید می‌آورد که از آن به «برادری ایمانی» یاد می‌شود. (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ)!

در جامعهٔ قبیله‌ای آن روز که اساس همبستگی اجتماعی را «همخونی و هم خانواده بودن» تشکیل می‌داد و شیوخ و رؤسای قبایل تصمیم‌گیرنده و معرجی بودند، اسلام طرح برادری در بین تمامی اعضای جامعه را عرضه می‌کند تا کسی احساس برتری بر دیگری نداشته باشد. حتی پیامبر خدا ﷺ با یکی از پیروان خویش یعنی امیرالمومنین علی رضی الله عنه برادر شمرده می‌شود.

به هنگام «عقد برادری» بین مسلمانان که هر دو نفر با یکدیگر «برادر قراردادی» می‌شدند و حقوق خاصی بر یکدیگر پیدا می‌کردند، همبستگی از «موضع برابر» برادری و «نفی برتری جویی» که ناشی از انگیزهٔ قوی «ایمان به خدا و روز جزا» بود شکل گرفت و دستور خداوندی صادر شد که «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...»^۲ به ریسمان محکم الهی چنگ‌زنید همراه یکدیگر و پراکنده نشوید».

نیروهای مخالف گفتند: «به اطرافیان پیامبر انفاق نکنید تا از دور او پراکنده شوند (لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا)»^۳ و سعی کردند تا از طریق فشارهای مالی و اقتصادی این همبستگی را از بین ببرند.

قرآن کریم این نکته را، که دشواریهای اقتصادی می‌تواند سبب پراکنده شدن و برهم خوردن همبستگی‌ها گردد، رد نمی‌کند و با وعدهٔ بهروزی ناشی از خواست خدای غنی و قادر، آرامش خاطر را به اردوگاه پیامبر برمی‌گرداند.

محور و انگیزهٔ دیگری که نقطهٔ پیوند و همبستگی پیروان پیامبر خدا بود «رحمت و مهربانی و نرمی گفتار و اخلاق نیک پیامبر ﷺ» بود که پیروان او را نیز کم‌کم در بر می‌گرفت.

قرآن کریم می‌فرماید: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْهُ

۳. سوره منافقون، آیه ۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰.

حَوْلِكَ^۱ به خاطر رحمت از جانب خدا تو نرم و آرام شدی و اگر در مقابل دیگران تُرشرو و سنگدل می‌بودی از دور تو پراکنده می‌شدند.

رحمت الهی نشسته در جان پیامبر و پیروانش (رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ^۲) انگیزه قوی دیگری بود که همبستگی اجتماعی در سطح بین‌المللی را برای اهل اسلام فراهم ساخته بود. همان رحمتی که خدای سبحان می‌فرماید: «رُحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ - رحمت من همه چیز را در برگرفته است». می‌توان تلفیقی از این انگیزه‌ها را محور همبستگی اجتماعی از دیدگاه قرآن معرفی کرد. «برادری ایمانی» مبتنی بر «رحمت و مهربانی نسبت به تمامی انسانها» و لزوم حمایت از تمامی افراد نیازمند حمایت، در درون یک جامعه، اساس همبستگی جامعه اسلامی است. متون مربوط به «نهادهای بین‌المللی تأمین اجتماعی» نیز در تعریف این مقوله، از آن به عنوان «حمایتی که جامعه در قبال پریشانی‌های اجتماعی و اقتصادی به اعضای خود ارائه می‌کند»^۳ یاد کرده است. هرگونه اقدامی که در مقابل «پریشانی‌های اجتماعی» صورت گیرد، اقدامی برای «همبستگی اجتماعی» خواهد بود و این به معنی اشتراک مبانی قرآنی و عرفی است.

۵-۱. رفع فقر و محرومیت

هدف و مبنای راهکارهای حمایتی تأمین اجتماعی «رفع فقر و محرومیت» موجود در جامعه و رساندن وضعیت اقتصادی نیازمندان به حد متوسط است.

اکثر راهکارهای حمایتی قرآنی نیز همین هدف را مورد توجه قرار داده است چراکه اصولاً رفع نیاز نیازمندان، محتاج حمایت مالی است و طبقات برخوردار جز از جهت «اطمینان به آینده» چندان نیازی به حمایت ندارند.

قرآن کریم اصولاً فقر را خواسته شیطان، یعنی دشمن عمده دین و انسان، می‌داند (الْشَّيْطَانُ يَعِدُّكُمْ الْفَقْرَ^۴)، و تلاش برای خارج ساختن انسانها از آن را حرکت در جهت خواست خداوند می‌داند. عدم موفقیت بشر در حل مشکلات فقر و غنا و فاصله زیاد بین فقیر و غنی، علی‌رغم تلاشهای فراوان فرهنگی و اجتماعی، نشان از قدرت بازدارندگی انگیزه‌های منفی اخلاقی دارد. در چنین فضایی است که ایجاد انگیزه‌های مختلف در جهت رفع فقر و محرومیت به خودی

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳. ۲. سوره فتح، آیه ۲۹.

۳. بهرام پناهی، اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی، ۱۳۷۶، ص ۷۲. ۴. سوره بقره، آیه ۲۶۸.

خود موضوعیت پیدا می‌کند و به همین خاطر است که خداوند سبحان در شرایع مختلفی و از جمله شریعت محمدی ﷺ، در پی ایجاد انگیزه شرعی لازم برای پیروان دین است تا به عنوان وظیفه لازم شرعی به وضع نیازمندان و محرومان رسیدگی کنند.

اولویت دادن قرآن به تهیدستان، تنگدستان، محرومان، نیازخواهان (سائلین)، یتیمان، خویشاوندان، درراه‌ماندگان، خسارت دیدگان و بدهکاران و امثال آنان در مصارف و هزینه‌های مالیاتی و حتی اختصاص آن به نیازمندان یا شریک دانستن فقرا و محرومان در اموال ثروتمندان از طریق ذی‌حق دانستن آنان (وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ)^۱ می‌تواند میزان اهتمام شریعت به محرومیت‌زدایی را نشان دهد. حتی راهکاری چون "کفارات" که جریمه‌هایی برای جبران نقایص "عبادات" و برخی تعهدات شرعی غیرعبادی در نظر گرفته است عمدتاً متوجه آزادی افراد دربند (بردگان) و خوراک و پوشاک محرومان و نیازمندان می‌شود. یعنی جبران "کمبودهای عبادی" را با "رسیدگی به وضع محرومان و خدمت‌رسانی و مساعدت به آنان" ممکن می‌سازد تا ارتباط "عبادات" و "خدمت به خلق خدا" را نشان دهد و تلاش برای رفع نیازهای آنان را همچون "عبادت خدا" معرفی کند.

قرآن کریم بی‌توجهی به یتیمان و خوراک تنگدستان را از جمله اوصاف کسانی می‌شمارد که دین را تکذیب می‌کنند (وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ)^۲ و در جای دیگر در وصف اهل دوزخ همین عبارت را تکرار کرده است.^۳

و در سوره ضحی، پس از یادآوری دوران نیاز پیامبر ﷺ و نعمتهایی که خداوند به ایشان ارزانی داشت دستور می‌دهد که: ... فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ^۴ (حال که تو را از بی‌سرپرستی و یتیمی مأوی و پناه دادیم و از گمراهی هدایت کردیم و از فقر و تنگدستی و عائله‌مندی بی‌نیازی و غنا بخشیدیم) پس یتیم را مورد قهر و ستم قرار مده و تهیدست نیازخواه را مران و نعمتهای خدا بر خویش را به یاد آور و یادآوری کن. اینها همه قرائن، شواهد و سخنان صریحی است که در قرآن و برای هدف "رفع فقر و محرومیت" بیان گردیده است.

۳. سوره الحاقه، آیه ۳۴.

۲. سوره ماعون، آیه ۳.

۱. سوره ذاریات، آیه ۱۹.

۴. سوره ضحی، آیات ۸ تا ۱۱.

۱-۶. مسئولیت‌پذیری

در جامعه اسلامی، "مسئولیت‌پذیری" کلیه افراد جامعه، یکی از اصول و مبانی قرآنی در ارتباط با مقوله تأمین اجتماعی است.

وقتی از همبستگی اجتماعی و برادری ایمانی و ضرورت فقرزدایی یا پیشگیری از فرارگرفتن افراد جامعه در معرض فقر و محرومیت سخن به میان می‌آید، ضرورتاً این خطاب متوجه کلیه پیروان شریعت و تمامی افراد جامعه می‌شود - آنانی که توانایی و برخوردارگی کافی برای پذیرش مسئولیت دارند و خواسته یا ناخواسته در مقام و موقعیتی قرار می‌گیرند که نیازمندان برای رفع نیاز خویش به آنان مراجعه می‌کنند (خواه مقام حکومتی باشد یا مقام و موقعیت اقتصادی).

پذیرفتن این موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی با "پذیرش مسئولیت شرعی توجه به نیازمندان" همراه است و نمی‌توان یکی از آنها را بدون دیگری تصور کرد.

قرآن کریم در این جهت می‌فرماید: «ثُمَّ لِنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^۱ در روز ستاخیز هر آینه از نعمتهای الهی مورد پرسش قرار می‌گیرند» و در جای دیگر می‌فرماید: «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»^۲ آنان را نگهدارید که مورد پرسش قرار گیرند».

تأمین اجتماعی، بنابر آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیدگاه‌های سازمانهای جهانی تأمین اجتماعی آمده است، مبتنی بر مسئولیت‌پذیری مردم، دولت، کارفرما و شخص استفاده‌کننده از راهکارهای آنست. یعنی همه افراد جامعه به نوعی در این امر مسئول شناخته می‌شوند و سهم خویش را در تحقق آن می‌پردازند.

۱-۷. تأمین فضایل اخلاقی

یکی از مبانی راهکارهای حمایتی قرآنی "تأمین فضایل اخلاقی" است که معمولاً در راهکارهای عرفی (به عنوان یکی از مبانی و اصول) مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

این مبنا و هدف قرآنی، انگیزه حمایت از هموعان را با نفی "بُخِلَ" (... تَدْعُونَ لِنُفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ)^۳ و رد "منت‌گذاری و اذیت" (لَا تَبْتَغُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى)^۴ و

۳. سوره محمد، آیه ۳۸.

۲. سوره صافات، آیه ۲۴.

۱. سوره ناکثر، آیه ۸.

۴. سوره بقره، آیه ۲۶۴.

مخالفت با "ریاء" (يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ)^۱ همراه قرار داده و از همگان می‌خواهد که اموال اهدایی خویش را به "خدا" هدیه کنند.

حتی به موجب قول معروف و مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَى^۲، عدم انفاق و عذرخواهی را از انفاقی که "مَنّت و اذیت" در پی داشته باشد بهتر می‌شمارد تا معلوم گردد که "روحیه ناپسند تحقیر دیگران" و "خود برتر بینی" بیش از منافع مادی انفاق به جامعه ضرر می‌رساند.

جامعه‌ای که اکثریت آن تحقیر شده ولی در رفاه نسبی باشند و ثروتمندان و برخورداران آن به خاطر برتری مادی بر مناصب قدرت و حکومت تکیه زنند و "شرف مادی" تنها انگیزه "شرافت اجتماعی" و حفظ احترام افراد باشد، حتی اگر در رفاه کامل باشند، جامعه‌ای منحط و غیرانسانی و غیر قابل تحمل است چرا که در منطق قرآن "فقر با عزت از رفاه در ذلت" برتر است.

نباید رفتار اجتماعی به گونه‌ای باشد که توجه به رفع نیازهای مادی افراد، سبب غفلت از توجه به نیازهای روانی و اخلاقی و فرهنگی آنان گردد و این "نقطه قوت" قرآن در توجهش به مقوله تأمین اجتماعی است که مجموعه نیازهای فطری انسان را به صورت کامل در نظر می‌گیرد و عمده‌شدن بخشی از نیازها مانع توجه به سایر نیازها در بخشهای دیگر وجود انسان نمی‌شود.

نتیجه نهایی در بخش اهداف و مبانی، تأیید هماهنگی کامل بین تعالیم قرآنی و مقوله تأمین اجتماعی است. یعنی در قرآن نه تنها موضوعی در مخالفت با اهداف و مبانی تأمین اجتماعی وجود ندارد بلکه تمامی اهداف و مبانی آن مورد تأیید و تأکید فراوان قرار دارد.

۲. راهبردهای حمایتی

راهبردهای حمایتی تأمین اجتماعی به دو بخش "مساعدتهای اجتماعی" و "خدمات اجتماعی" تقسیم شده‌اند و وجه مشترک آنها حمایت از نیازمندان است. خواه این نیاز دائمی باشد یا مقطعی، عمده‌ترین مطلب در این راهبردها توجه به "حفظ درآمدها" است. به این ترتیب، عمده‌ترین راهکارهای تأمین اجتماعی معطوف به افراد شاغل است، هر چند عناوین آن امکان شمول راهکارها به "افراد فاقد شغل و درآمد" را نیز دارد.

۱. سوره نساء، آیه ۳۸. ۲. سوره بقره، آیه ۲۶۳.

راهکارهای پیشنهادی یا الزامی قرآن ناظر بر نیازهای دائمی یا مقطعی همه نیازمندان است و از سویی در جهت حفظ درآمدها نیز سفارشهای لازم را کرده است. راهکارهای قرآنی یا مستقیماً در جهت حمایت از محرومان و نیازمندان تشریح شده، یا امکان قرارگرفتن در این جهت را (به‌عنوان مقتضی و زمینه مناسب) دارد، یعنی به‌طور غیرمستقیم در خدمت اهداف حمایتی قرار می‌گیرد.

۱-۲. حمایت‌های مستقیم قرآنی

حمایت‌های مستقیم قرآنی یا از طریق الزام پیروان شریعت به پرداخت مالیات‌هایی چون زکات، خمس، خراج و جزیه یا جریمه‌های مالی (کفارات) است یا از طریق اختصاص مالکیت ثروتهای طبیعی به عموم مردم (فیء و انفال) و موظف‌کردن متولیان جامعه در جهت بهره‌وری از آنها و هزینه کردن درآمدهای آن در جهت عدالت اجتماعی است.

رسیدگی به وضعیت محرومان و کم‌کردن فاصله طبقاتی بین محرومان و برخورداران یا تنها دلیل تشریح این راهکارها یا عمده‌ترین اولویت و اصلی‌ترین سبب تشریح بوده است. (کَيْلًا يَكُونُ دَوْلَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ^۱)

نوع دیگر حمایت‌های مستقیم قرآنی راهکارهای غیر الزامی است که شمول و گستره آن بیش از راهکارهای الزامی است، گرچه امکان برنامه‌ریزی دقیق روی سفارشات غیر الزامی کمتر از راهکارهای الزامی است. انفاق، صدقه، نیکوکاری و احسان و بخشش (عطیة و هبة) از این نوع‌اند. برخی از این راهکارها مورد تأکید فراوان شریعت و قرآن قرار گرفته و اهمیت فوق‌العاده‌ای به آن داده شده است. انفاق راهکاری است که آثار فراوانی برای آن در قرآن برشمرده شده است؛ در آیه ۲۶۶ سوره بقره رسماً به "دوران پیری و کهنسالی و ناتوانی" و "فرزندان خردسال و ناتوان" اشاره کرده و می‌پرسد: «آیا کسی دوست دارد که در چنین وضعیتی سرمایه او بسوزد و از بین برود؟» و پس از این تصویر هراس‌انگیز، اهل فکر و تدبیر را به تفکر و تدبیر دعوت می‌کند. گویا انفاق در این آیه، همچون "صندوق ذخیره‌ای" شمرده می‌شود که در "تضامن و تکافل اجتماعی" پشتوانه همه افراد جامعه در هنگامه "خطر و نیاز" است و لذا در ضمن آیات انفاق، این هشدار را داده و برای برون‌رفت از این بیم و هراس، دعوت به انفاق می‌کند.

۱. سوره حشر، آیه ۷.

اختصاص درآمدهای ناشی از این راهکارها به تهیدستان، تنگدستان، نیازخواهان (سائلین)، در راه ماندگان، یتیمان، خسارت دیدگان و بدهکاران، افراد گرفتار مشکلات مستمر یا مقطعی، یا اولویت قطعی دادن به این گروهها در زمان تقسیم و توزیع درآمدها نشان از تشریح این راهکارها به منظور حمایت از محرومان و نیازمندان دارد. بسیاری از این راهکارها، مساعدتهای اجتماعی را به دو شیوه "نقدی" و "کالایی" در اختیار دریافت کنندگان می گذارد.

یکی از راهکارهای حمایتی قرآن که به روش نقدی عرضه می شود "قرض الحسنه" است. (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا)^۱ این روش به لحاظ آثار روانی مثبت، حتی از انفاق و صدقه برتر شمرده شده است چراکه فشار روانی "حقارت و ذلت" ناشی از گرفتن صدقه که برای برخی افراد پدید می آید در قرض الحسنه موضوعیت ندارد بلکه احساس مثبت "توانایی و تعهد بازپرداخت" او را وادار به تلاش کرده و از آفت تن پروری و تبلی که دریافت کنندگان مساعدتهای رایگان و بلاعوض را تهدید می کند در امان نگه می دارد.

بدون بهره بودن این وام، فرصت خوبی برای دریافت کننده فراهم می کند تا برخی هزینه های سنگین در مورد بیماری، مسکن و کار را بتدریج و در حد توانایی خویش پرداخت کند و هزینه های لازم زندگی را نیز از درآمد عادی خود تأمین کند.

در قرآن کریم بحثی در مورد "حقوق محرومان" در اموال ثروتمندان مطرح شده است (وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ)^۲ که می تواند مبحث حمایتها و مساعدتهای اجتماعی را از دیدگاه "حق نیازمندان" مطرح کند و آنچه را تاکنون در مورد انفاق و صدقه و امثال آنها به عنوان نوعی "تفضل و کرم" پرداخت کننده در اذهان تداعی می شده دچار تغییر کند. (وَأْتِ ذَٰلِقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ)^۳.

در کشورهای توسعه یافته گرایش "بحق" دانستن حمایتها و مساعدتهای اجتماعی افزایش یافته است همان گونه که در متن اعلامیه حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از آن به عنوان "حق نیازمندان و مردم" یاد شده است.^۴

مخاطب راهکارهای حمایتی قرآن اشخاص حقیقی و حقوقی اند که به عنوان فرد یا نهاد پای بند به اسلام و شریعت محمدی ﷺ، در برابر احکام و دستورالعمل های آن ملزم به رعایت هستند.

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۵. ۲. سوره ذاریات، آیه ۱۹. ۳. سوره اسراء، آیه ۲۶.
۴. اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و مواد ۲۲ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر.

دولت در جامعه اسلامی به عنوان نماینده ملت، موظف به تلاش و کوشش بی دریغ در جهت "تأمین عدالت اجتماعی" است و طبیعی است که هر فرد یا نهادی به میزان توانایی و امکانات خویش مسئولیت قانونی و شرعی بر عهده‌اش قرار می‌گیرد و چون اکثر ثروت و قدرت در اختیار دولتهاست، حاکمان در خصوص حمایت از نیازمندان و وظیفه سنگین تری بر عهده دارند. هزینه کردن بیت‌المال^۱ در زمینه رفع نیاز نیازمندان و کم کردن فاصله فقیر و غنی (عدالت اجتماعی) به معنی هزینه کردن آن به نفع ثروتمندان نیز هست چرا که امنیت و آرامش خاطر و ثبات سیاسی و اقتصادی که بستر هر گونه فعالیت مثبت اقتصادی است به این وسیله تأمین می‌گردد. هزینه‌ای که اگر بیت‌المال متکفل پرداخت آن نمی‌بود باید مستقیماً از ثروتمندان گرفته می‌شد و حال که بیت‌المال جور ثروتمندان را می‌کشد و آنان را از پرداخت مالیات یا سهم مستقیم برای این کار معاف می‌دارد در حقیقت به آنان خدمت می‌کند و منافع ایشان را تأمین می‌کند. راهکارهای حمایتی قرآن در دو حوزه "درآمدها" و "هزینه‌ها" کاربرد دارد. مالیات‌ها و جریمه‌ها و حتی مالکیت عمومی ثروتهای طبیعی در حوزه درآمدها قرار می‌گیرند. انفاق و صدقه و برخی راهکارهای دیگر نیز درآمدهایی شمرده می‌شوند که بخشی از هزینه‌های رایج خدمات و مساعدتهای اجتماعی را تأمین می‌کنند.

در حوزه هزینه‌ها، تغذیه و پوشاک تنگدستان و تهیدستان، کفالت و سرپرستی ایتام و بی‌سرپرستان، پرداخت بدهی و خسارت خسارت دیدگان و بدهکاران، هزینه سفر در راه ماندگان، هزینه‌های خویشاوندان تنگدست، آزادی افراد دربند و پرداخت هزینه‌های مربوط به آن، رفع نیاز حاجت‌خواهان، عائله‌مندان و امثال ایشان، مورد تأکید و سفارش قرآن قرار گرفته است.

گرچه در سایر متون دینی سخن از مشروط بودن استحقاق اعضای گروه‌های مشمول دریافت حمایت‌های قرآنی به میان آمده است، ولی در متون قرآنی هیچ‌گونه محدودیت یا اشتراطی دیده نمی‌شود. علاوه بر این که برخی عناوین همچون "مولفة قلوبهم" یا "فی سبیل‌الله" شامل افراد

۱. مقصود از بیت‌المال مرکزی است که کلیه اموال عمومی و غیرشخصی در اختیار حاکمیت جامعه در آن جا جمع گردیده و طبق برنامه‌های مشخص حکومتی هزینه می‌گردد. این اموال ممکن است با جهت مشخصی در جانب اولویت هزینه‌ها، در اختیار حاکمیت قرار گرفته باشد.

غیر مسلمان نیز می‌گردد، در بحث "بِرّ و احسان" یا نیکوکاری، تنها گروه استثنا شده "کفار حربی" اند و سایر گروهها (از جمله کفار غیر حربی) مشمول برّ و احسان قرار می‌گیرند. (لَا يَنْهَاكُمُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ...)^۱

بنابراین طبق متون قرآنی تمامی انسانهای نیازمند، به نوعی از حمایتهای مالی مسلمانان برخوردار می‌شوند چرا که اساس نظر قرآن و شریعت، دور کردن بشریت از فقر و تنگدستی و رساندن سطح زندگی (در جامعه اسلامی) به وضعیت مناسب و مطلوب است.

۲-۲. راهکارهای حمایتی غیر مستقیم

راهکارهای حمایتی غیر مستقیم به راهکارهایی گفته می‌شود که به خودی خود اعم از موضوعات تأمین اجتماعی است، و به همین جهت امکان و توانایی بهره‌گیری از آنها در اهداف تأمین اجتماعی وجود دارد.

۲-۲-۱. نذر

یکی از این راهکارها "نذر" است که یکی از شایع‌ترین رفتارهای بشر معتقد به نیروهای ماورائی است و هر ساله مبالغ هنگفتی از اموال آدیان از این طریق هزینه می‌گردد.

می‌توان این گرایش بشری را با برنامه‌ریزی صحیح و مناسب و فرهنگسازی در مسیر مساعدتهای اجتماعی قرار داد و از آن بهره‌برداری مناسب کرد.

می‌توان با جهت‌دهی صحیح، پاداش برآورده شدن نیازهای نذرکنندگان را یاری‌کردن به نیازمندان اقتصادی و محرومان از خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و امثال آن قرار داد.

اگر اطلاع‌رسانی دقیقی صورت گیرد که چه اموری باعث خشنودی خدا و رضایت او می‌شود و چه رفتارهایی سبب توجه او به بندگانش می‌گردد و در این میان "خدمت به خلق خدا" و برآوردن نیاز آنان در جایگاه شرعی خود شناسانده شود، می‌توان امید داشت که از این پس به جای نذرهایی چون روشن کردن شمع در مراکز مقدسه، روضه‌خوانی، یا مسجدسازی و امثال آنها، به انسانهایی توجه شود که در پیشگاه خدا، رسیدگی به وضعیت آنان از حج مستحبی رفتن و عبادتهای فراوان به جا آوردن، در پیشگاه خدا ارزشمندتر شمرده شده است.

۱. سوره ممتحنه، آیه ۸.

۲-۲-۲. وصیت

”وصیت“ نسبت به یک سوم اموال و داراییها، راهکار دیگری است که غیرمستقیم به حمایت از اقشار نیازمند قابل تحویل است. صاحب مال حق دارد این سهم از ثروتش را به اختیار خویش هزینه کند. یعنی پس از مرگ او به سفارشها و دستورات او عمل می‌شود. (إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَقْرَبِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ...)^۱

آدمیان تا آخرین لحظه‌های حیات، به ثروت و دارایی خویش به عنوان پشتوانه آینده نگاه می‌کنند و چون این آینده را نمی‌شناسند و از چند و چون آن بی‌خبرند به تمامی اموال نیازمند می‌مانند. بنابراین دل‌کنندن از ثروت و هزینه کردن آن برای دیگران را کاری دشوار و رفتاری غیرمطمئن می‌شمارند، ولی در غروب زندگی به راحتی از آن دل بریده و آمادگی هرگونه هزینه کردن را پیدا می‌کنند.

چنین انسانهایی کم نیستند که به راحتی ثروت خویش را وقف کرده یا به امور خیریه اختصاص می‌دهند ولی در اسلام که تنها حق وصیت نسبت به یک سوم ثروت به رسمیت شناخته شده، می‌توان از این امکان فوق‌العاده ارزشمند برای اهداف تأمین اجتماعی بهره‌گرفت چرا که بستگی به تصمیم صاحبان ثروت دارد.

اگر متولیان امور دینی و فرهنگی کشور بتوانند برنامه‌ریزی دقیقی برای اطلاع‌رسانی و تبلیغ جایگاه خدمت به مردم ارائه کنند، امکان دستیابی به اهداف تأمین اجتماعی از طریق ”وصیت“ ثروتمندان نسبت به ثلث دارایی خویش فراهم می‌گردد و حوزه درآمدهای تأمین اجتماعی به خوبی تقویت می‌شود.

۲-۲-۳. عهد و پیمان

یکی از راهکارهای حمایتی ”عهد و پیمان“ است که در این بخش همچون ”نذر“ است که فردی خود را متعهد می‌سازد تا در برابر رسیدن به حاجات خویش، اقدامی خداپسندانه انجام دهد. حال اگر این اقدام در جهت حمایت از محرومان و نیازمندان قرار گیرد، امکان دیگری برای رسیدن به اهداف تأمین اجتماعی فراهم شده است.

در قرآن کریم این امکان تصریح شده است (و مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ

۱. سوره بقره، آیه ۸۰.

وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ).^۱ موضوع "ولایت حسبه" یا سرپرستی دوستانه مومنان نسبت به یکدیگر که بخش عمده آن تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود، در بخشهای اقتصادی زندگی، ارتباط محکمی با مقوله تأمین اجتماعی دارد.

توجه و رسیدگی به محرومان، بی سرپرستان و یتیمان و امثال آنان بخشی از مسئولیت رسمی و شرعی متولیان امور حسبه و سرپرستان جامعه اسلامی است؛ اولویت سرپرستی مربوط به مواردی است که خانواده یا طفل یا... سرپرست ندارد و مسئولان جامعه در این قبیل مسائل مسئول شناخته می‌شوند.

گرچه این عنوان شامل امور اداری، قضایی و فرهنگی نیز می‌شود ولی در بخش اقتصادی عمدتاً مربوط به حوزه تأمین اجتماعی است. در مورد "راهبردهای امدادی" گرچه در برخی متون تأمین اجتماعی از آن نام برده شده ولی ظاهراً موضوع مستقلی از راهبردهای حمایتی نیست چراکه نیازهای مقطعی ناشی از حوادث طبیعی و غیر طبیعی را شامل می‌شود و پیش از این گفتیم که راهکارهای حمایتی قرآنی شامل تمامی نیازمندیهای مقطعی و مستمر می‌گردد.

۳. راهبردهای بیمه‌ای

در متون تأمین اجتماعی سه گونه رفتار کلی بیمه‌ای مطرح شده است، "بیمه‌های اجتماعی و صندوقهای احتیاط و طرح مسئولیت کارفرما" سه راهبرد بیمه‌ای است که کم و بیش به آن عمل می‌شود. قرآن کریم هیچ سخنی درباره ممنوعیت این راهبردها ندارد و راهکار قرآنی مشخصی که مستقیماً قابل انطباق بر بیمه‌ها باشد نیز دیده نمی‌شود. هر چند راهکارهای کلی که امکان انطباق داشته باشند وجود دارد، به این معنا که با توجه به سایر آموزه‌های دینی و مصادیق به کار رفته در صحنه زندگی اجتماعی مورد تأیید متولیان دین، فرصت کشف ملاک و معیارهای کلی به دست آمده و امکان تطبیق آن معیارها بر راهکارهای بیمه‌ای فراهم است.

۱-۳. عهد و میثاق

یکی از عمده‌ترین موارد، راهکار کلی "عهد و میثاق" است که کلیه قراردادهای (عقود) را در بر می‌گیرد. از نظر شریعت محمدی ﷺ پابندی به مفاد هر گونه پیمان و قراردادی که با ممانعت

۱. سوره توبه، آیه ۷۵.

شارع مقدس روبه‌رو نشده و نهی صریحی درباره آن وجود نداشته و مبتنی بر عقل و منطق نیز باشد، لازم و واجب است و نقض آن حرام است (فَمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً...)^۱.

با توجه به این که هیچ‌گونه مخالفتی با بیمه در قرآن دیده نشده و نهی صریحی درباره آن وجود ندارد، قراردادهای بیمه نیز مشمول حکم کلی قراردادها خواهد بود (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ).^۲ به عبارتی دیگر در یک "قیاس اقرانی" می‌توان چنین تصویری ارائه کرد: ۱. قرارداد بیمه از جانب قرآن و شرع ممنوع اعلام نشده است (صغری)؛ ۲. هر قراردادی که منع قرآنی و شرعی نداشته باشد لازم‌الوفاست. (کبری)؛ ۳. قرارداد بیمه لازم‌الوفاست. (نتیجه).

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «تمامی عقود و قراردادها از قبیل ازدواج، خرید و فروش، اجاره و امثال آن از انواع عهد و پیمان به معنی عام آنست و پیمان و قراردادی که بین انسانها برای یاری‌رساندن یا پیشگیری از موانع اجتماعی برقرار می‌شود مثل این که کسی در هر سال مالی را به دیگری می‌دهد تا در هنگام نیاز از او مال یا منفعتی بگیرد، یا در مدت معین یا دائمی برای او و کار او مزاحمت و مانعی ایجاد نکنند، یکی از انواع عهد و پیمان در اسلام است... کلیه احتیاجات فرد و اجتماع در پیمانهای قرار می‌گیرد که عمده‌ترین آنها نیاز به سلامت و امنیت است...»^۳.

در قراردادهای مختلف می‌توان شروطی را ضمن عقد مطرح کرد که در صورت توافق طرفهای قرارداد، لازم‌الاجرا می‌گردد و حتی می‌توان جریمه‌هایی برای تخلف از آنها به صورت "شرط ضمن عقد" در نظر گرفت (أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا).^۴

۳-۲. ضمان و کفالت

راهکار دیگری که می‌تواند بر بیمه منطبق گردد "ضمان و کفالت" است. حضور "شخص ثالث" در تعامل میان افراد و تضمین رفتارهایی که بار اقتصادی و مالی دارد عنوانی کلی است که شامل قراردادهای بیمه نیز می‌گردد.

شکل کار در "بیمه‌های اجتماعی" مبتنی بر دریافت بخشی از حق بیمه از بیمه‌شده و بخشی

۳. تفسیر المیزان، جلد ۹، صص. ۱۸۶ و ۱۸۷.

۲. سوره مائده، آیه ۱.

۱. سوره مائده، آیه ۱۳.

۴. سوره اسراء، آیه ۳۴.

از کارفرما و سهمی از دولت است ولی در بحث "ضمان و کفالت" می‌توان این تضمین را در برابر دریافت چیزی قرار داد یا به صورت رایگان اقدام به ضمانت و کفالت کرد. در مصداق‌یابی تاریخی و روایی به مصادیقی بر می‌خوریم که مسئولیت آن تصریح شده و شباهتهایی به "قرارداد بیمه" دارد. موضوع "ضمان جَریره" یکی از این مصادیق است که بنا بر تشخیص برخی دانشمندان اسلامی نوعی "بیمه مسئولیت شرعی" است که در آن فرد یا گروهی، پرداخت کلیه تعهدات مادی ایجاد شده از طرف شخص دیگر را برعهده می‌گیرد و در مقابل از برخی توانمندی‌های او در تأمین امنیت یا ارث بردن از او (در صورتی که وارث دیگری نداشته باشد) بهره‌مند می‌گردند.

نسبت بحث ضمان و کفالت با بیمه در حدی است که برخی از دانشمندان علوم دینی از بیمه به عنوان "عَقْدُ الضَّمَان" نام برده‌اند که نشان از "انطباق کلی بر مصداق" دارد.

۳-۳. مصالحه

راهکار کلی دیگری که در قرآن کریم آمده و ارتباط به موضوع بیمه پیدا می‌کند بحث "مصالحه" است. اگر به احتمالات مطرح شده از جانب افرادی که در مشروعیت بیمه تردید می‌کنند نگاه کنیم، از احتمال شمول حرمت "أَكْلِ مَالِ بَاطِلٍ" بر بعضی از قراردادهای بیمه سخن به میان آمده است، با این توضیح که در بسیاری موارد فرد بیمه شده هیچ‌گونه منفعت یا کالایی در برابر حق بیمه‌های پرداختی دریافت نمی‌کند و "پول دادن و هیچ به دست نیاوردن مصداق حقیقی "أَكْلِ مَالِ بَاطِلٍ" است.

در این خصوص گرچه پاسخ صحیح آنست که "تأمین" کالایی با ارزش است که تمامی انسانها در برابر آن "بهای" را طلب کرده‌اند و شریعت محمدی ﷺ "بهای امنیت" ایجاد شده از سوی خداوند سبحان را "عبادت او" قرار داده است. در تمامی مجامع بشری هزینه‌های هنگفتی برای "تأمین" پرداخت می‌گردد و ابزارهایی گوناگون با هزینه‌های بالا تهیه می‌گردد تا آرامش و امنیت فراهم گردد.

انسانهایی مأموریت می‌یابند که آرامش خاطر دیگران را فراهم کنند و در برابر آن مزد بگیرند و در تمامی این موارد ظاهراً چیزی در برابر وجوه پرداختی نصیب آدمیان نمی‌گردد مگر "ایمنی خاطر" و هیچکس این قراردادها را باطل نشمرده یا آن را نامشروع نخوانده است.

می‌توان به گونه‌ای دیگر هم این مشکل را برطرف کرد و آن بهره‌گیری از قرارداد "مصالحه" است چرا که مصالحه مبتنی بر "نادیده گرفتن حق قطعی یا احتمالی به نفع طرف مقابل است". در قراردادهای بیمه که زمان آن به سر می‌رسد و موردی برای ایفای نقش شرکتهای بیمه پیش نمی‌آید می‌توان در متن قرارداد بیمه ماده‌ای قرارداد که در صورت اتمام زمان قرارداد و عدم بهره‌گیری فرد از حق بیمه (مثل بیمه‌های حوادث) فرد بیمه‌شده از حق قطعی یا احتمالی خویش به نفع شرکت بیمه چشم می‌پوشد. این مصالحه و قراردادی است که مشروعیت بیمه را تأمین می‌کند و تردیدها را نیز برطرف می‌سازد.

۳-۴. دیات

راهکار دیگری که در قرآن کریم از آن یاد شده، و در متون روایی اسلام به عنوان مصداق مشروع انطباق با قراردادهای بیمه تشخیص داده شده است، بحث "دیات" است.

گرچه می‌توان اصل تشریح دیات را نوعی زمینه‌سازی برای "بیمه خاص حوادث و فوت" دانست چرا که "فرد حادثه‌دیده" یا "بازماندگان مقتول" می‌توانند خسارت حوادث را درخواست کنند، "سنگین بودن دیه" - از سویی، به گونه‌ای که تهیه و پرداخت آن در بسیاری از موارد برای افراد عادی ناممکن می‌گردد - انگیزه کافی برای ریسک‌پذیری در افراد پدید می‌آورد و آنان را به مؤسسات بیمه ارجاع می‌دهد.

اما راهکار قرآنی و روایی مورد نظر در بحث دیه، موضوع لزوم پرداخت "دیه قتل" که به صورت خطا تحقق یافته از سوی "عاقله" است یعنی "بستگان ذکور پدری" باید این دیه را بپردازند.

با توجه به "نظام خانوادگی و قبیله‌ای" عصر حضور وحی و "تضامن و تکافل اجتماعی خانوادگی" مرسوم در عصر نزول قرآن، این "سنت عرفی" از سوی قرآن به رسمیت شناخته شده و "بیمه مسئولیت خانوادگی" به "بیمه مسئولیت شرعی" مبدل شده است.

مرحوم آیه‌الله مرتضی مطهری در بحثهای مربوط به بیمه، گزارش مختصری از این موضوع ارائه کرده و می‌گوید: «ما یک چیزی درباب دیات داریم که بی‌شبهت به "بیمه مسئولیت" نیست. این جمله را شنیده‌اید که می‌گویند: «دیه بر عاقله است»... در یک مواردی اسلام، تأمین دیه را بر

عهده شخص دیگری گذاشته است. البته دیه‌هایی که از روی عمد نباشد بلکه از روی خطا باشد. اگر دیه از روی عمد باشد، هیچ بیمه‌ای مسئولیت آن را نمی‌پذیرد... این شبیه بیمه است ولی عین بیمه نیست. یعنی این کار با قرارداد نیست و به اصطلاح "بیمه مالکی" نیست "بیمه شرعی" است.^۱

مشروع دانستن راهکارهای عرفی قبل از اسلام که نوعی از بیمه‌های مسئولیت را تداعی می‌کند، نشانگر آنست که جهت‌گیری قرآن و دین به طرف پذیرفتن اصل "تضامن و تکافل اجتماعی" است که وجه مشترک راهکارهای بیمه‌ای و قرآنی است.

بنابراین می‌توان ادعا کرد که پذیرش راهکارهایی چون "دیه بر عاقله" و "ضمان جریره" و امثال آن از سوی شریعت محمدی ﷺ با ملاک و معیار پذیرفتن راهکارهای معقول و منطقی عرفی منطبق با اهداف قرآنی است. این راهکارهای عرفی در زمان نزول وحی ابتدایی و مختصر بوده و امروزه به صورت مفصل و برنامه‌ریزی شده در قالب راهکارهای بیمه‌ای عرضه گردیده است.

همان ملاک پذیرش راهکارهای عصر نزول وحی امروز هم وجود دارد و علی‌القاعده مشکلی در پذیرش مشروعیت راهکارهای بیمه‌ای تأمین اجتماعی باقی نمی‌ماند. بنابراین می‌توان نسبت قرآن با راهکارها و راهبردهای مختلف تأمین اجتماعی را چنین گزارش کرد:

۱. در راهبردهای حمایتی، انطباق کامل بین دستورالعمل‌ها و سفارشات قرآنی و راهکارهای تأمین اجتماعی وجود دارد.
۲. هیچ‌گونه مخالفتی در قرآن با راهبردهای بیمه‌ای دیده نمی‌شود.
۳. برخی راهکارهای قرآنی قابلیت انطباق با راهکارهای بیمه‌ای تأمین اجتماعی دارند.
۴. قراردادهای بیمه مشمول حکم کلی قرآن درباره کلیه قراردادها و لزوم پایبندی به مفاد آنها و حرمت نقض آنها می‌گردد.
۵. تأیید قرآن و شرع از برخی راهکارهای عرفی "بیمه‌ای ابتدایی" یا "شبه بیمه‌ای" عصر نزول وحی، ملاک و معیاری به دست می‌دهد که راهکارهای بیمه‌ای کنونی را نیز مشروع بدانیم.

۱. مرتضی مطهری، ربا بانک بیمه، ۱۳۷۰، ص. ۳۲۲.